

تفسیر ده دقیقه‌ای قرآن کریم؛ بر ساحل نور

استاد سید جواد بهشتی

موضوع: مردم و کتاب هدایت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این صفحه می‌فرماید: مردم در مقابل کتاب هدایت سه گروه هستند؛ گروه اول را در صفحه ۲ خواندیم: «مُتَّقِينَ»، این گروه حق را می‌پذیرند و به دیگران توجه ندارند. گروه دوم: «كَافِرَانَ»، هر چه از حق برای آن‌ها توضیح داده می‌شود لجاجت می‌کنند و گروه سوم «مُنافِقِينَ» هستند.

گروه اول پنج آیه، گروه دوم دو آیه و گروه سوم دو صفحه را شامل می‌شوند. آیاتی که این صفحه و صفحه بعد توضیح آن آمده است، نشان می‌دهد «منافق» خطر بزرگی پیش روی ما انسان‌ها است. با هم می‌خوانیم:

صفحة ۳

سورة مبارکه بقره

آیات ۱۶-۶

آیه ۶: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»
«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا» کافران، آنان که کافر شدند، «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ» فرقی ندارد برایشان، «أُنذَرْتَهُمْ» ای پیامبر! تو به آن‌ها هشدار بدهی، «أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ» یا هشدار ندهی، «لَا يُؤْمِنُونَ» یعنی تبلیغ، ارشاد و امر به معروف تو در دل آن‌ها اثر نمی‌گذارد.

آیه ۷: «خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»
«خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ» خداوند بر دل‌های آن‌ها مهر نهاده، «وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ» بر گوش‌های آن‌ها، «وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ» بر گوش‌ها و چشم‌های آن‌ها پرده افکنده، «وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» و برای آن‌ها عذابی بزرگ است.

ما در صفحه قبل گفتیم که خداوند مهربان است؛ مگر خداوند پرده می‌اندازد؟! نه، ما خودمان هستیم که در را به روی خدا می‌بندیم، مثل اینکه به خورشید پشت کنیم، مثل اینکه خانه‌هایمان را پشت به خورشید بسازیم، وقتی من گوشم را می‌گیرم سخنی نمی‌شنوم، وقتی چشمم را به روی حق می‌بندم منظره‌ای نمی‌بینم، سنت خداوند این است که اگر کسی از اول خودش لجاجت کرد، خداوند هم برای او کاری انجام نمی‌دهد (گروه دوم، کافران).

گروه سوم:

آیه ۸: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَيَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ»

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ» بعضی از مردم هستند – الان هم هستند- که به زبان می‌گویند، «أَمَّا بِاللَّهِ» ما به الله ایمان داریم، «وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ» ما به جهان آخرت ایمان آوردیم، «وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» اما ایمان نیاوردند. خداوند است که می‌فرماید ایمان نیاوردند. چرا؟ دلیل آن چیست؟ عده‌ای می‌گویند ما به خدا و آخرت ایمان داریم، ولی در واقع ایمان نیاورده‌اند، حتماً یک نفعی در این کار وجود دارد، همانطور که در زمان همه انبیاء کسانی که به ظاهر اظهار دینداری می‌کردند، وجود داشتند.

آیه ۹ : «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ»

«يُخَادِعُونَ اللَّهَ» این‌ها خداوند را فریب می‌دهند، «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا» این‌ها -به نظر خودشان- خداوند و مؤمنان را فریب می‌دهند. حاج آقای قرائتی در حکایتی به بیماری اشاره می‌کند که دکتر، شربت را برای او تجویز کرده، ولی بیمار شربت را در سطل آشغال می‌ریزد، بعد می‌گوید سر دکتر کلاه گذاشتم؛ هر کسی می‌داند نه تنها سر دکتر کلاه نگذاشته است، بلکه سر خود کلاه گذاشته است!! خداوند و مؤمنان را فریب می‌دهند، «وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ» اما جز خودشان را فریب ندادند، «وَمَا يَشْعُرُونَ» این‌ها فهم و شعور ندارند.

آیه ۱۰ : «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ»

«فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» همان‌گونه که جسم انسان مریض می‌شود و بیماری‌های متفاوت سراغ او می‌آید، روح و جان او هم مریض می‌شود. یکی از آن مریضی‌ها نفاق است، چه بیماری سختی در دل منافقان وجود دارد! مثل بیماری سرطان که رو به افزایش است، در ابتدا یک جای بدن سرطان دارد ولی بعد می‌بیند که سرطان تمام بدن او را فرا گرفته است. «فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» سنت خدا هم این است که با آمدن سرطان، پیشرفت هم می‌کند، مگر آنکه آن فرد بیدار شود، به پزشک مراجعه کند.

«وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» در حدیثی داریم که دروغ و نفاق دوقلو هستند. همان‌گونه که بچه‌های دوقلو هم‌شکل هستند، پس نمی‌شود کسی نفاق داشته باشد ولی دروغ نگوید. منافق کار خودش را با دروغ پیش می‌برد. به دلیل اینکه منافقین پیوسته دروغ می‌گویند، عذاب دردناکی در انتظار آن‌ها است.

آیه ۱۱ : «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ»

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ» وقتی به منافقان گفته می‌شود که فساد نکنید در زمین، «قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» می‌گویند ما اصلاح می‌کنیم.

آیه ۱۲ : «أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ»

«أَلَا» یعنی بیدار شو! گول نخور! در سوره منافقین خواهیم خواند که منافق بسیار خوش سخن است و خوب صحبت می‌کند، «أَلَا» بیدار شوید، همه بدانند، «إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ» اینان خودشان فسادگران هستند، «وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ». این دومین مرتبه است که خداوند به منافق فرموده: «بی‌شعور»، منافقی که خودش را فرهیخته، فرزانه، دانشمند و روشنفکر معرفی می‌کند، خداوند پی در پی او را تحقیر می‌کند و می‌فرماید او شعور ندارد.

آیه ۱۳ : «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ»

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ» وقتی به منافقان گفته می‌شود مثل همه مردم ایمان بیاورید، «قَالُوا» اینطور گفتند که، «أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ» مثل بی‌خردان؟! یعنی خودشان را چند درجه بالاتر از عموم مردم می‌دانند؛ ما روشنفکر، فرهیخته و نخبه هستیم. «أَلَا» همه بدانند، «إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ» خود این افراد بی‌خردان هستند، قیافه روشنفکری به خود گرفته‌اند، «وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ» ببینید خداوند چه صفاتی به منافقین داده است!، فرموده است: «لَا يَشْعُرُونَ» نمی‌فهمند، اینجا می‌فرماید: «لَا يَعْلَمُونَ» نمی‌دانند.

آیه ۱۳ : «وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ»
«وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا» می‌روند در جمع مؤمنان و می‌گویند ما ایمان آوردیم، «وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ» می‌روند بین دوستان شیطان خودشان، «قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ» می‌گویند ما با شما هستیم، «إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ» ما مؤمنان را مسخره می‌کردیم.

آیه ۱۵ : «اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ»
«اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ» خدا مسخره می‌کند منافقان را!، «وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ» آن‌ها را در عمق طغیان‌شان می‌کشاند، «يَعْمَهُونَ» در حالی که کور هستند. ببینید چه صفاتی خدا به منافقان نسبت داده است: بی‌شعور، بی‌سواد، کور و...

این افراد چه کسانی هستند؟ به چه دلیل انسان‌ها دنبال نفاق می‌روند؟

آیه ۱۶ : «أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»
«أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ» آن‌ها کسانی هستند که دست به یک معامله‌ای زده‌اند؛ گمراهی را می‌خرند، هدایت را می‌دهند. گمراهی را می‌خرند، هدایت را می‌دهند. «فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ» این تجارت‌شان سود ندارد، «وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ» این‌ها به هدایت نمی‌رسند، «اهتدی» به معنای دریافت هدایت است.

در این صفحه چه گفتیم؟

انسان‌ها در برابر هدایت خداوند سه دسته هستند: «متقین» که در صفحه ۲ تشریح شد، «کافران» که کمر بسته‌اند که چیزی را قبول نکنند و «منافقان» که باید توضیح بدهیم چه کسانی هستند...
خطر نفاق یک خطر مرموز است؛ پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «از مؤمن نمی‌ترسم چون آزارش به کسی نمی‌رسد، از مشرک نمی‌ترسم و مقابل او می‌ایستم، اما از منافق می‌ترسم»
بیدار باشیم!

خدانگهدار شما...